

بهار گردشگری در دستان مسافران نوروزی



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

دو سال پیش کرونا در سست زمانی وارد ایران شد که بیشتر مردم در حال تدارک و آماده سفر نوروزی بودند اما با اعلام ورود کرونا چرخ صنعت گردشگری در آن نوروز کاملاً از حرکت ایستاد. سال گذشته نیز محدودیت‌های زیادی اعمال شده، استان‌های شمالی که در وضعیت قرمز سفر ممنوع بودند و اکثر شهرهای مسافر خیز نیز در حالت نارنجی به سر می‌پردند. اما امسال شاید پس از دو سال اولین سالی باشد که کمر شکسته و خمیده گردشگری قرار است کمی راست می‌شود و شاید این صنعت زمین خورده دوباره جانی تازه بگیرد. این مهم نه تنها با کمک‌های دولتی و بخش خصوصی بلکه با کمک مسافران تحقق خواهد یافت، اما چگونه؟ در ادامه به بررسی چند مورد که باعث رونق گردشگری می‌شود خواهیم پرداخت:

همانطور که می‌دانید اقامتگاه‌های محلی با همان بومگردی‌ها به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که عمدتاً در دل بافت روستایی و یا در حومه شهرهای بزرگ قرار دارند. بسیاری از بومگردی‌ها در این دو سال علی‌رغم رعایت پروتکل‌های بهداشتی ارائه شده از سوی ستاد کرونا و همچنین وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خالی از مسافر بوده و در قبال هزینه‌های جاری اقامتگاه هیچ درآمدی نداشته‌اند. با جستجویی ساده در اینترنت می‌توان بومگردی‌هایی که ظرفیت خالی دارند را برگزید و در ایام نوروز چند روزی را میهمان آب و هوای خوش و سالم روستا بود و در کنار خوردن نان و غذای محلی از صنایع دستی زنان روستا نیز خرید کرد تا آنان نیز از ورود گردشگری بهره‌مند شوند. و این دقیقاً همان چیزی است که از آن به عنوان «توسعه پایدار گردشگری» نام برده می‌شود: سود بردن جامعه مقصد از ورود گردشگر.



اما در شهرهای بزرگ‌تر چگونه می‌توان به گردشگری تازه‌جان گرفته رونق بخشید؟ سوال خوبی است اما پاسخ خوشتر. در شهرهای توریستی مانند شیراز و اصفهان و تبریز و یزد و... در اماکن تاریخی یک دسته راهنمایانی فعالیت می‌کنند به نام راهنمای محلی، که این راهنما ماسلط به محل خاصی مثلاً عالی قاپور در اصفهان و یا نقش رستم در شیراز هستند. شمار گیشه ورودی هنگام خرید بلیط می‌توانید درخواست راهنمای محلی کنید و با پرداخت مبلغی هم به کسب و کار آن راهنمای محلی که سال‌ها تلاش و مطالعه کرده تا بریز و ریز منطقه خود واقف شود رونق بخشید. اید و هم خودتان اطلاعاتی کسب می‌کنید که باز دیدتان را جذاب‌تر و مفیدتر می‌کند. قطعاً دانستن مفهوم سنگ نگاره، طاق بستان، کرمانشاه و گرفتن عکس یادگاری در کنار آن خیلی جذاب‌تر است، چرا که برای تمام کسانی که در آینده آن عکس را نشان خواهند داد حرفی برای گفتن دارید و این نشان می‌دهد که شما مسوولانه سفر می‌کنید.

چرخیدن چرخ این صنعت تنها به کمک مسافران نیست، بلکه کمک جامعه مقصد و متولیان گردشگری را نیز می‌طلبد. این گونه نیست که فقط مسافر تحقیق کند و اقامتگاهی را برگزیند اما در نهایت پروتکل‌های مخصوص اقامتگاه‌ها رعایت نشود، به صرف آنکه مسئول اقامتگاه به این باور است که بعلت شیوع کرونا کسی اینجا نمی‌آید. آن اقامتگاهی از این بازی برنده بیرون می‌آید که میهمانش بعد از تعطیلات نوروز با چند مسافر دیگر به همان اقامتگاه بازگردد، و این امر میسر نمی‌شود مگر با پایبند بودن به رعایت پروتکل‌های بهداشتی در اقامتگاه. و آن راهنمای محلی‌ای به گردشگری جانی دوباره می‌بخشد که فقط حافظ یک متن تکراری و بیان کننده طوطی وار جملات از پیش نوشته شده نباشد. ذوق و اشتیاق راهنمای محلی عالی قاپو مسافر را ترغیب می‌کند تا تخت جمشید هم که رفت دوباره از راهنمای محلی استفاده کند. چه مسافر باشیم، چه متولی، امسال گردشگری در دستان ماست تا دوباره بهار شود و شکوفه کند.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee.irani

ایمیل: toseirani@gmail.com

وقتی خودمان را به کوچه علی‌چپ می‌زنیم

خطای ۴۰۴ (HTTP ۴۰۴)
یکی از کدهای وضعیت پروتکل انتقال ابر متن است که با عنوان خطای «یافت نشد» نیز شناخته می‌شود و منظور این خطا آن است که سرور وب نمی‌تواند منبع درخواستی را پیدا کند. به عبارتی شماردر مقام مخاطب به آنچه در پی‌اش هستید، دسترسی نخواهید داشت

خشونت در نهایت به امری تخریب‌گر بدل می‌شود. در نمایش بازیگری قرار است نقش خواننده‌ای را ایفا کند و او مدام می‌میرد و زنده می‌شود. او هم استعاره‌ای می‌شود از آدم‌های محذوف اطراف تئاتر شهر و هم هنرمند ممیزی شده. به عبارتی او فصل مشترکی است

که جمالی بدان اعتراض دارد، اینکه خرده‌فرهنگ‌های اطراف تئاتر شهر محذوف و سانسور شده‌اند و در خم «رور ۴۰۴» گیر کرده‌اند؛ اما تکثیر می‌شوند. همیشه هستند، تنها قرار نیست دیده شوند. پایان نمایش هم مشخص است.

جایی پشت‌صحنه کارگردان به یاد کتک گرفته می‌شود توسط همان عوامل ممیزی، مردم‌روی صحنه‌نیز ره‌اشده‌اند و نمی‌دانند چه کنند. مخاطبان نمایش که نمی‌دانند باید چه کنند. آنها چشم‌انتظار رورانس و دست زدن برای بازیگران می‌نشینند و این هم شاید پیام آخر نمایش باشد که ذهن مخاطب دچار «رور ۴۰۴» شده است. او شرطی شده است در تماشای نمایش و نمی‌داند نمایش‌ها همه یک شکل نیستند؛ همان‌طور که قرار نیست روی صحنه صرفاً زیبایی عرفی ببیند. پس عباس جمالی شاید به شیوه‌ه‌اند که، اهانت به تماشاگر را هم در دستور کار قرار می‌دهد تا به او بفهماند که چطور در قبال «رور ۴۰۴» تک‌بعدی شده‌است.

شنفت دیداری برایش به ارمغان آورد. او پلشتی اجتماعی را بک‌شده می‌خواهد تا بگوید رفته‌ام اعتراض یک هنرمند به فلان معضل اجتماعی با حضور فلان سوپراستار سینمایی یا تئاتری را دیده‌ام. بعد آن را با عکسی از پوستر یا عوامل نمایش استتوری کند تا قدرت کاذبی از ثروت خود – ثروت نمادین محصول خریدبلیت گران‌قیمت – بازنمایی کند. از دید جمالی شاید این‌همان واقعیت ماجرا است که برهنه شده است. نمایش‌هایی گران‌قیمت و سرشار از «هن و پهن» مؤلفش – که البته گرت‌برداری‌های کوتاه‌فکرانه‌ای از دیگری است – زیر آن ردای خوش‌رنگ و لعابش چیزی جز همین فروپاشی نمایشی‌روی صحنه «رور ۴۰۴» نیست.

به عبارتی اگر یک فیلتر اساسی در درگاه فاهمه ما قرار داده شود، با دیدن آثاری که امر مذموم را بدل به امر مطبوع می‌کنند، دچار «رور ۴۰۴» می‌شود؛ اما این همه‌ماجرا نیست.

خطای ۴۰۴ (HTTP ۴۰۴) یکی از کدهای وضعیت پروتکل انتقال ابر متن است که با عنوان خطای «یافت نشد» نیز شناخته می‌شود و منظور این خطا آن است که سرور وب نمی‌تواند منبع درخواستی را پیدا کند. به عبارتی شما در مقام مخاطب به آنچه در پی‌اش هستید، دسترسی نخواهید داشت. البته عباس جمالی به‌نظر می‌آید آن را استعاره‌ای از صفحه پیوندها قرار می‌دهد تا نشان دهد چطور با حذف ارتباط مخاطب با منبع درخواستی، موجب جهالت می‌شود. سانسوری که عباس جمالی در قامت مردان خشن روی صحنه بازنمایی می‌کند، به فهم و درک آدم‌ها نمی‌افزاید. آنها را همچون بازیگران نمایش فروخورده در خودو منهدم شده در روح می‌سازد. جایی در نمایش بازیگر دختری مجبور می‌شود تلفن همراه خود را به عوامل ممیزی دهد و او جز دهشتن چیزی بازنمایی نمی‌کند. جمالی نشان می‌دهد سانسور به سبب ذات خشنش، نمی‌تواند سازنده باشد و



شاید معتقدند وظیفه هنر زیبا کردن جهان است. عباس جمالی با این موضوع نیز شوخی می‌کند. به ظاهر چیز زیبایی تئاتر شهر، برای کسی که دنیای جمالی و تئاتر را هم‌زمان دنبال کرده باشد آشکار می‌شود که او به مکان اعتراض اشاره می‌کند. در یک دهه اخیر تئاتر شهر یکی از مراکز اعتراضات خیابانی به حساب آمده است و عباس جمالی با آوردن حصار، تلنگری به برنامه‌مشهور «حریم تئاتر شهر» می‌زند، جایی که برخی معتقدند قرار است همانند دهه شصت به دور تئاتر شهر حصار فیزی کشیده شود. جمالی حالا به زبان استعاره و مجاز می‌گوید حصار تئاتر شهر به معنای حذف کنش اعتراض از فضای تئاتر شهر است. از همین رو برای بسط ماجرا به سراغ موافقان حصار هم می‌رود. روی صحنه، آن‌سوی حصار، جایی که کارگردان و ممیزان سعی بر تولید میزانشن دارند، چیزهایی آفریده می‌شود که یادآور آثار موافقان حصار است. آنهاپی که عباس جمالی آنها را بخشی از وضعیت موجود می‌پندارد. آنهاپی که احتمالاً پلشتی‌های اجتماعی روزگار ما را بک می‌کنند و به جای ویدبخت خوش‌کلامی‌باشد، چشمانش رنگی باشد، خوب‌بازی کند و حظ

«مظاهرات سلمیه». جمالی به سراغ تصویر می‌رود. یک حصار در انتهای صحنه و تصاویری از تاج‌ساختمان تئاتر شهر. برای کسی که دنیای جمالی و تئاتر را هم‌زمان دنبال کرده باشد آشکار می‌شود که او به مکان اعتراض اشاره می‌کند. در یک دهه اخیر تئاتر شهر یکی از مراکز اعتراضات خیابانی به حساب آمده است و عباس جمالی با آوردن حصار، تلنگری به برنامه‌مشهور «حریم تئاتر شهر» می‌زند، جایی که برخی معتقدند قرار است همانند دهه شصت به دور تئاتر شهر حصار فیزی کشیده شود. جمالی حالا به زبان استعاره و مجاز می‌گوید حصار تئاتر شهر به معنای حذف کنش اعتراض از فضای تئاتر شهر است. از همین رو برای بسط ماجرا به سراغ موافقان حصار هم می‌رود. روی صحنه، آن‌سوی حصار، جایی که کارگردان و ممیزان سعی بر تولید میزانشن دارند، چیزهایی آفریده می‌شود که یادآور آثار موافقان حصار است. آنهاپی که عباس جمالی آنها را بخشی از وضعیت موجود می‌پندارد. آنهاپی که احتمالاً پلشتی‌های اجتماعی روزگار ما را بک می‌کنند و به جای ویدبخت خوش‌کلامی‌باشد، چشمانش رنگی باشد، خوب‌بازی کند و حظ

برشی از تلاش چند بازیگر است که می‌خواهند در یک نمایش حضور داشته باشند؛ اما کارگردان نمایش، مدام رویه سرکوب‌بدنی و روحی بازیگران را در پیش می‌گیرد. بازیگران با تکرار یک وضعیت فیزیکی، فروپاشی جسمانی خود را زیر تیغ ممیزی کارگردان و عمل سانسور جی بازنمایی می‌کنند، را به آن اعتراضات متصل کند و بگوید چطور پس از کنشی سیاسی اسیر شده و در انفرادی دچار اضمحلال. نمایشی به شدت سانتیمانتال که تلاشش صرفاً برجسته کردن هویت هنری سجاد افشاریان است. هم‌در و جزیانی و هم‌در وجه فیزیکی. نمایش عملاً تلاشی است برای زیبا جلوه دادن صدای افشاریان و بدن او و در نهایت با نادیده گرفتن هدف اعتراض که در پس ممیزی‌ها محو شده است، به بازنمایی خودش منجر می‌شود. اما در همان روز‌های اجرای پرسروصدا و پرفروش افشاریان، نمایش دیگری با همین موضوعیت در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود که یک صدم مخاطب افشاریان را ندارد؛ اما نگاهی غیر سانتیمانتال به موضوع اعتراض و خصوصاً اعتراض تئاتر‌شهر دارد. «رور ۴۰۴» به‌نظر

گفت‌وگو

فیلمنامه‌نویس سینما و تلویزیون:

ساترا به جای مانع‌زدایی در تولید، مانع‌تراشی کرده است

سریال‌های ترک‌پخش می‌کردند مخاطبشان را از دست دادند.

افضلی گفت: بنابراین علاوه بر اینکه پلتفرم‌ها عده‌ای راسر کار برده و مشغول کار کرده‌است، یک تأثیر فرهنگی هم دارد. شاید فضای قصه‌ها اندکی ملتهب‌تر از سریال‌های تلویزیون باشد و از خطوط قرمز بیشتری عبور کنیم اما در قیاس با ماهوار و ه زمین تا آسمان است.

وی ادامه داد: در این راستا گروه‌های حمایت کننده و سرمایه‌گذار باید حمایت شوند اما طوری جا افتاده که ساترا و تلویزیون گمان می‌کنند ما رقیبشان هستیم و این هم تیمی بودن را با ساترا حس نمی‌کنیم و احساس نمی‌کنیم ساترا همکار ما است و همان حسی که در تعامل با مدیر شبکه‌های تلویزیونی و ناظران کیفی و محتوایی صدا و سیما داریم را در مقابل ساترا نداریم. انگار ساترا نهادی است که آمده جلوی ما را بگیرد و این حس در ما وجود دارد.

وی افزود: با اینکه ابتدای راه نگاهم به ساترا مثبت بود اما الان حس می‌کنم آمده تا اجازه ندهد کارهای بیشتری ساخته شوند. در سال‌های گذشته، ما با موجی از کار و رو بودیم اما به یکباره دیدیم جلوی آن‌ها گرفته شد.

دختر، پسری پرفروشی می‌خواستند که از نظر من نویسنده جزو کارهای سطحی بوده است.

افضلی گفت: من امیدوار شدم با آمدن ساترا شاید وی او دی‌ها مجبور شوند به جای توجه صرف به جذب مخاطب، به کیفیت و سطح آثار هم اهمیت دهند. اما الان نمی‌دانم آیا سختگیری‌های ساترا به همین منتهی می‌شود یا نه؟ به تعطیلی وی او دی‌ها منجر می‌شود؟ در سریال عقرب عاشق به سختی به یک تعامل رسیدیم.

وی افزود: مهم‌ترین موضوعی که درباره وی او دی می‌توانم بگویم این است که شاید احساس شود وی او دی رقیب تلویزیون است در حالی که اصلاً اینطور نیست. وی او دی رقیب ماهواره است و مخاطب وی او دی هیچ وقت تلویزیون نگاه نکرده و الان هم اگر وی او دی‌ها تعطیل شوند باز هم تلویزیون نگاه نمی‌کند و ماهواره می‌بیند. از زمان آمدن پلتفرم‌ها در ایران شبکه‌های ماهواره‌ای که



مراجعه کنیم و هیچ وقت ساترا چنین اطمینانی به من نداده است در صورتیکه وقتی می‌خواهید از ارشاد پروانه ساخت بگیری به نویسنده احترام می‌گذارند و می‌گویند باید فیلمنامه‌ات در سامانه تایید شود اما در ساترا چنین ساز و کاری وجود ندارد و تهیه‌کننده حتی می‌تواند بدون اجازه نویسنده فیلم‌نامه را ببرد و تأییدیه بگیرد. یعنی در حالت کلی ساترا در ساختارش نویسنده را اصلاً ندیده است. در حالیکه فیلمنامه سنگ بنای اثر و نقشه‌محتوایی مجموعه داستانی است.

وی در باره وضعیت فعلی ساترا و احتمال کوچ هنرمندان به خارج از کشور نیز بیان داشت: هنرمندانی که صاحب اندیشه باشند برای کار به خارج کوچ نمی‌کنند و اگر کوچ کنند بیکار می‌مانند. در حرفه خود ندیدم کسی به خارج کوچ کرده‌باشد.

ترس سرمایه‌گذاران

از ورود به بخش خصوصی

این نویسنده که سریال ملکه گدایان را نیز به نگارش درآورده است، ادامه داد: معتقدم ساترا در این یکساله به جای مانع‌زدایی، مانع‌زایی کرده است. می‌توانست مانع‌زدایی کند اما این کار را نکرد و لااقل اینطور به نظر نمی‌رسد. از وقتی ساترا آمده میزان تولید کم شده تا میال مردم به‌وی او دی‌ها کمتر شده حالا نمی‌دانم به چه دلیل! انگار وجود ساترا سرمایه‌گذارها را ترسانده است و برخی می‌ترسند اگر کاری بسازند ساترا جلوی آن را بگیرد.

افضلی در ادامه بیان داشت: در این مدت یک‌بار هم ساترا با ما نویسنده‌ها و کارگردان‌ها جلسه‌ای نگذاشته‌اند که صحبت‌کنند من نویسنده‌مرجمی ندارم که وقتی حقی از من ضایع می‌شود به آنجا